

تطور جمعیت و شکل طهران

از آغاز تا به امروز

در مقالات مقدمه برجامعه شناسی ایران از آقایان دکتر بنام و دکتر راسخ شرحی کلی درباره مرفولوژی شهرهای ایران آمده است. کلمه مرفولوژی یا ریخت شناسی از دو بحث مرکب است مطالعه در جمعیت ، و بررسی در شکل یا چهره سکونت آن جمعیت . در این مقاله ریخت شناسی يك شهر خاص و تطور آن در طی تاریخ بررسی شده است .

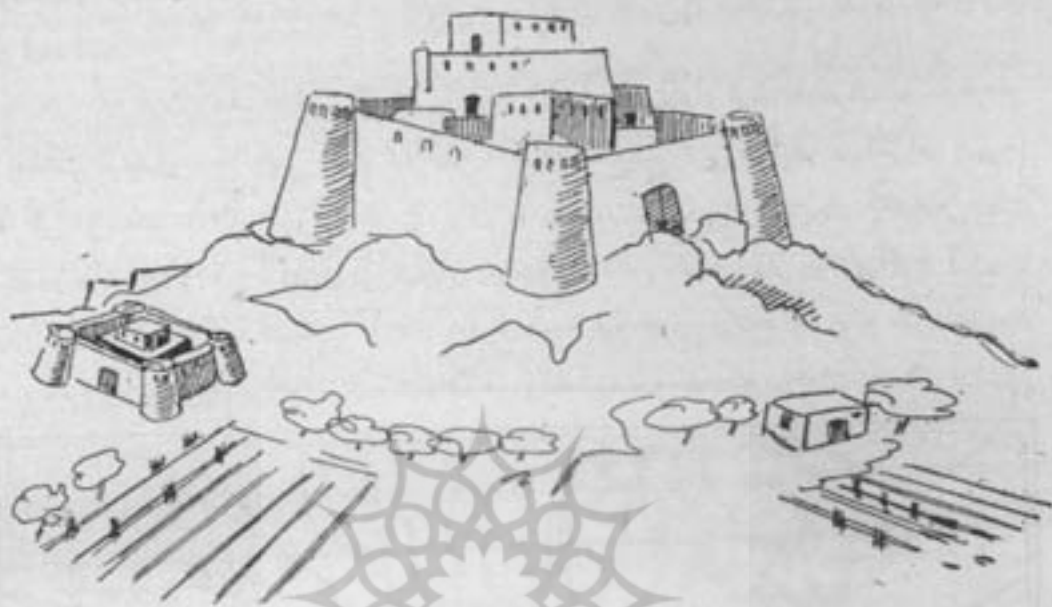
مقدمه ای در باب جغرافیای ری

ناحیه ای که از شمال به کوههای البرز ، از مشرق به سمنان، از جنوب به قم و از غرب به قزوین محدود است و امروز طهران خوانده می شود در گذشته ری نامیده می شد .

سلسله جبال البرز سر تا سر شمال این ناحیه را از شرق به غرب پوشانده است و علاوه بر این کوهها، در شرق این ناحیه کوه قره کچ و سه کوه و در جنوب شرقی آن کوه کلنگ و در غرب آن کوه نمک و حسن آباد و در مرکز آن کوه بی بی شهربانو و سه پایه قرار دارد. رودهای جاجرود و کرج که از کلون بسته و جبله رود که از فیروز کوه سرچشمه می گیرد با هم شاخه های فرعی خودشان بایکی دو رود کوچک دیگر اراضی آن را مشروب می کنند و بر اثر جریان این رودها تمام قسمت های آن به جز منطقه جنوب شرقی که متصل به کویر نمک است تقریباً حاصلخیز می باشد، ته نشین های رود کرج که بستر طبیعی آن از شمال غربی این ناحیه به جنوب شرقی آن امتداد دارد منطقه بسیار حاصلخیزی شامل ساوجبلاغ، شهریار، غار و قسمتی از ورامین را به وجود آورده است . اراضی حاصلخیز شمال شرقی و شرق آن نیز توسط ته نشین جاجرود و ایوان کی و جبله رود پیدا شده است. آبادیهای شمال آن نیز در دره های شهرهای کوچک سرسبز کوههای شمالی قرار دارد ، هوای آن در شمال معتدل و همراه بارانهای کوهستانی است ولی در جنوب خشک و کم آب است . بیشتر آبادیهای آن در گوشه شمال غربی و شمال شرقی و دامنه جنوبی کوههای البرز و در دره های علیای سرچشمه های سه رود نامبرده و اطراف چند رود کوچک دیگر واقع شده است و تا دشت امتداد دارد .

مکان و موقع : از مطالب بالا به خوبی معلوم می شود که ری بادسته ای از ده های خود که از آن گفتگو خواهد شد ، در مکان و موقع مناسب جغرافیائی واقع بوده است و با در نظر گرفتن این که شمال این منطقه آب و هوایش مناسبتر از جنوب آن است این مسئله که چرا طهران جای ری را گرفته است و چرا آبادی های کنونی طهران به سوی شمال گسترش می یابد روشن می شود . علاوه بر این عوامل که از آن صحبت شد این را هم باید

اضافه کرد که ری بر سر جاده بغداد - ری - خراسان و خراسان - ری - آذربایجان و بغداد - ری - طبرستان و دیلمان، که در قرون اولیه هجری و حتی قبل از آن هم از بزرگترین شاهراههای تجاری و ارتباطی این منطقه بوده است قرار گرفته بود. از این جهت بی‌مناسبت نیست که این منطقه خاصه ری و حتی جانشین آن، در گذشته و آینده ایران، چه از نظر اقتصادی و چه نظامی، ارزشی تمام داشته باشد.



طرح تقریبی شهری در قرون اولیه اسلامی

ری و ده‌های آن: شهر تاریخی ری که خرابه‌های آن در کنار شهر امروزی شاه عبدالعظیم دیده می‌شود با دسته‌ای از شهرها و ده‌های اطراف خود یکی از نخستین شهر

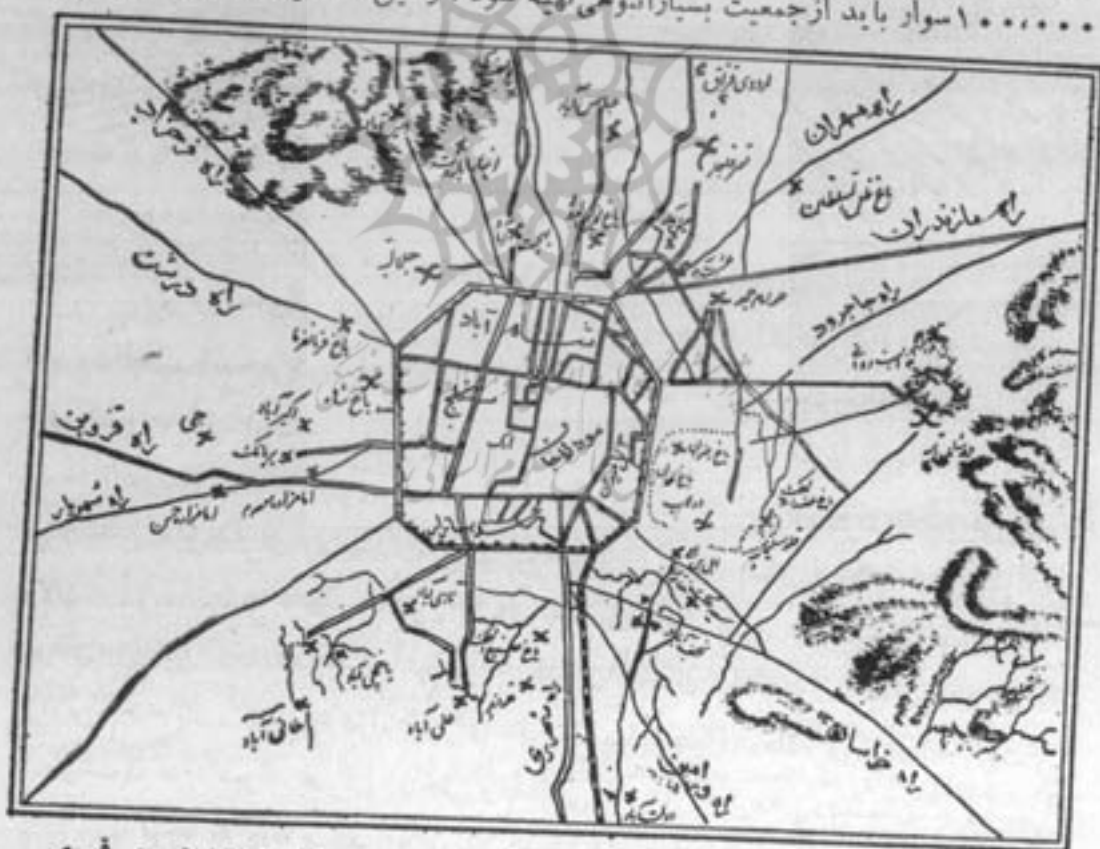
های کشور ما بوده است.

در سال ۲۶۱ هجری که ما برای نخستین بار نام طهران را در تاریخ می‌بینیم شهرک‌ها و ده‌های اطراف ری عبارت بودند از: خوار، بیست، دستی، دماوند = دنباوند، دولاب، زنبویه، زویق، قار = غار، فسطانه = کشتانه، کلین، محمدیه، مشکاوین، مهرقان، ورامین، وسقند، وهبن، نهران = طهران، اذن، اسفندون، اشنان، بهزان، جرازین، خرماباد، خومین، دزاه (دیزای سفلی یا دیزای علیا)، دهک، دوربست (= درشت - طرشت)، سن، طبرک، قصران (داخلی و خارجی)، نرمق = نرمة، رفسنجان، یزدآباد. با توجه به ده‌ها و شهرک‌های بالا که در اراضی حاصلخیزی قرار داشته و گروهی از آنان تا به امروز هم باقی مانده است و از مراکز آباد و پربرکت این منطقه محسوب می‌شود اهمیت شهر ری و موقع و مکان نیک آن به خوبی معلوم می‌شود.

جمعیت ده‌ها و شهرک‌های بالا: تنها اطلاعاتی که در باره جمعیت این ده‌ها و شهرک‌ها داریم گفته «ابن حوقل» در اواسط قرن چهارم، یعنی درست در موقع اوج

و رونق شهرنشینی در ایران است بنا به گفته وی جمعیت بعضی از دهات مزبور به بیش از ۱۰۰۰۰ مرد بالغ می شده است ، اگرما این مسئله را در نظر بگیریم که بعضی از ده‌های مزبور بزرگتر بوده و شهرچه هائی محسوب می شده است بطور تقریب می توانیم به حدود جمعیت این ناحیه آگاه شویم : شهر ری ، شهرمرکزی ، سی‌وسه ده و شهرچه ، و تعدادی روستاهای بزرگ داشته است که جمعیت ده‌های آن هر کدام به بیش از ده هزار مرد بالغ می شده است .

در قرن پنجم جمعیت ایران بامهاجرت و آمدن اقوام ترك به ایران رو به فزونی گذاشت . آمدن غزها و پس از آن سلاجقه ، که البته بیشتر این طوایف در اطراف شهرها ساکن می شدند تا خود شهر ، جمعیت ایران را به طور ناگهانی افزایش داد ، تصادفی نیست که در سال ۴۹۳ ه . سلطان برکیاروق در حدود ۱۰۰,۰۰۰ سوار در ری گرد آورد ، ولی این سپاه به علت نداشتن آذوقه متفرق شد ، به خوبی واضح است که گرد آوردن ۱۰۰,۰۰۰ سوار باید از جمعیت بسیار انبوهی نتیجه شود ، و این که سواران به علت نداشتن



نقشه طهران و حومه - از کتاب جغرافیا ، تألیف محمد صفی خان ۱۲۲۲ هجری قمری
آذوقه پراکنده می شوند نشانه این است که شهر ری و اطرافش قادر به پذیرائی چنین قشونی
در قرن پنجم نبوده است .
وضع اقتصادی : صاحب حدود العالم (قرن چهارم) درباره ری می نویسد «شهریست
عظیم و آبادان با خواسته و مردم ، و بازرگانان بسیار و مستقر پادشاه جبال ، آبهای ایشان

از کاربرد است و از وی کرباس و برد (ابریشم) و پنبه و عصاره و روغن و بیید خیزد
 « مسعر بن مهلهل » نیز در سفرنامه خود « قرن چهارم » وقتی از محصولات ری گفتگو
 می کند از گوشت بره و میوه خشک و تر آن و خاصه شراب آن که صادر می شده است افسانه
 وار صحبت می کند .

مورخان دیگر نیز از خراج ری که در ادبیات فارسی ضرب المثل شده است سخنان
 زیادی می گویند . از همه این مطالب معلوم می شود که ری باده ها و شهرک های اطراف
 خود یکی از آباد ترین و پر برکت ترین نواحی آن روزگار ایران بوده است .

گروه ها و طبقات اجتماعی : وضع گروهها و طبقات اجتماعی با آمدن سلاجقه
 به ایران دیگر کویسی حاصل می کند و این تفاوت نه تنها از جهت شکل بهره برداری از
 زمین و نحوه اداره آن به شکل اقطاع است بلکه در ترکیب گروههای اجتماعی نیز
 می باشد . تا پیش از آمدن سلاجقه به ری و ساکن شدن گروهی از ترکان دربارهای نواحی
 آن ، ری در دست آل بویه و امرای محلی دیگر بود و گروههای شهرشین روز به روز
 از نظر جمعیت نیرو مندتر می شدند و به کار تجارت و بازرگانی و تهیه و فروش مواد تجاری
 مشغول بودند و با طبقات اشراف و اعیان و امرای وقت در شهرها و ریشها زندگی
 می کردند و در دهات نیز روستائیان به کشاورزی مشغول بودند ، مسئله اقطاع مطرح
 نبود تا آن که سلاجقه آمدند و اقطاع را به وجود آوردند طوایفی از آنان در نواحی ری به
 صورت صحرائشینی و کله داری امرار معاشی می کردند . حمدالله مستوفی در باره ساوجبلاغ
 می گوید : « مردم آن صحرائشین هستند و مذهب درستی ندارند و مال به ری می دهند . »
 بدین ترتیب ، گروههای اجتماعی آن دوره ری به خوبی معلوم می شود که شهرشینان ،
 روستائیشان و صحرائشینان بوده اند که البته در داخل هر کدام از این گروهها تفاوت هائی
 بوده است .

رساله جامع علوم انسانی

چهره و شکل شهری در قرن سوم و چهارم : از گفته ابن حوقل و مقدسی معلوم
 می شود که مساحت شهر ری در اواخر قرن سوم و قرن چهارم يك فرسنگ دريك فرسنگ
 یا يك فرسنگ و نیم دريك فرسنگ و نیم بوده و پنج بارو داشته است « مسعر بن مهلهل » که خود
 شهری را دیده است در باره آن می گوید : « در مرکز ری نیز شهر شکفت انگیز دیگری
 قرار دارد با دروازه های آهنین و دیوارهای رفیع و مسجدی جامع ، بنا به گفته مقدسی ری
 دارای پنج دروازه بود . دروازه نخستین آن باطاق نام داشت که جاده بغداد از جنوب غربی
 شهر وارد آن می شد . دروازه دوم بلیسان (در شمال غربی) که جاده ای از آن به طرف قزوین
 می رفت ، و دروازه سوم در شمال شرقی بود که جاده طبرستان از آن خارج می شد . و چهارمین
 دروازه هشام نام داشت و در سمت مشرق شهر واقع بود و جاده خراسان از آن خارج می شد و آخر

دروازه پنجم در جنوب واقع بود و سین نامیده می شد که از آن به قم می رفتند .

ریض ۱ : بازارهای شهر در جلو و بیرون این دروازه ها جای داشت و مهمترین بازارها بازار محله ساربانان و بازار روزه بود که دکانها و کاروانسراهای پر از کالای آن در دو طرف جاده اصلی نامسافت زیادی امتداد داشت - دو رودخانه به شهر جاری بود که یکی سورقین خوانده می شد و از محله روزه می گذشت و دیگر جیلانی که از محله ساربانان عبور می کرد . مقدسی از دو ساختمان مهم ری سخن گفته است یکی (خرزهمخانه) بازار میوه

فروشان ، دیگری (دارالکتب) که زیر محله روزه در کاروانسرا می جا داشته است . یاقوت شکل و نقشه شهر را چنین توصیف می کند : قسمت نخستین شهر (شهرستان) که دارالاماره (ارک) و مسجد در آن قرار داشت و آن را مدینه می خواندند با خندق محصور بود و قسمت خارجی (ریض) شهر که آن را محمدیه می گفتند ، قبل از اینکه جزو ری شود یکی از محلات مستحکم آن بود ، و زندان ری محسوب می شد . به احتمال قوی در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم بر اثر رونق شهرنشینی قلعه مستحکم خارجی شهر که زبیدیه نام داشت و در سال ۱۵۸ هـ ق . ساخته شده بود ، جزو شهر شد ، علاوه بر این در نزدیکی شهر قلعه دیگری بود که آنرا کوشک یا قلعه قرخان می نامیدند و در سال ۲۸۲ تعمیر شده بود و مسلم این است که پیش از قرن سوم در ری تنها چند قلعه مستقل و نزدیک بهم موجود بوده است و در قرون بعد بر اثر توسعه شهرنشینی قلعه های نزدیک به قلعه اصلی پیوسته و جزو شهر شده است و بر اثر ساخته شدن قصرها در باغ های اطراف ، شهر وسعت یافته است .

علل توسعه شهری در قرن چهارم : در قرن چهارم که تقریباً ری در دست آل بویه بود جمعیت شهر نشین ری زیاد شد ، بدان سبب که ری پایتخت آل بویه و مرکز ایالت جبال بود و همه باج و خراج ایالت جبال بدانجا می آمد ولی این وضع در سال ۴۲۰ به سبب هجوم غزها تا حد زیادی از میان رفت و در دوره سلاجقه با ازدیاد جمعیت ایران شهری دوباره جان گرفت و اغلب شهرچه های اطراف آن نیز مستحکم شد .

علت اضمحلال ری و شهر کمی که جانشین آن شد : هنگام گفتگو از عوامل طبیعی یاد آور شدیم که از نظر اقلیمی قسمت شمالی ناحیه ری برای زندگی مناسب تر بود تا جنوب . بنابه نوشته ابن حوقل و مقدسی در قرن چهارم و خاصه اواخر آن کم کم ری اهمیت و اعتبار خود را از دست می داد و مردم آن خاصه بازرگانان به دهها و شهرک های اطراف آن می رفتند . پیش از حمله مغول ، جنگ مذهبی شدیدی در ری و اطراف آن به وجود آمد . جنگ « حنفی ها » با « شافعی ها » که ریشه اقتصادی نیز داشته است و در حقیقت جنگ شهر نشینان با روستائینان بوده است این جنگ کار را بجائی کشاند

۱- مراد حومه شهر است و بین شهر و روستا قرار داشت .

که امامت مسجد جامع يك روز با حنفی ها و يك روز با شافعی ها بود و سرانجام این اختلاف به جنگی مسلحانه انجامید . البته واضح است که مردم شهر نشین که به کار بازرگانی و کسب مشغول بودند نمی توانستند در چنین محیطی زندگی کنند و می بایست مکان امن تری برای خود بجویند . حمله مغول این امر را تسریع کرد ، و ورامین که « چاچرود » آب فراوانی به آن داده است ، جانشین ری شد ، تلاش غازان خان (۷۰۳ - ۶۹۷) برای ساکن کردن و جلب مردم به ری سودی نبخشید و تهران به علت نزدیکی به ری و شرکت در این اختلافات مذهبی هنوز محل امنی نبود ، ولی از سوی دیگر به خوبی معلوم بود که عوامل اقتصادی و طبیعی و اجتماعی طهران به ورامین برتری داشت و بیشتر درخور جانشینی ری بود . جانشین ری می بایست ده های شمالی آن یعنی دولا ب ، تهران ، طرشت یا اطراف اینها باشد . این امر ، یعنی گرفتن جای ری توسط تهران در قرن دهم یعنی ۳۰۰ سال بعد صورت گرفت و در این فاصله ورامین جانشین ری بود .

نام تهران (طهران) : وجه تسمیه تهران : بنا به گفته کسروی تهران از دو کلمه « ته » به معنی گرم و « دران » به معنی جا به معنی گرمگناه است در مقابل شمیران که سردگاه می شود . وی نظر یاقوت را که گفته است چون مردم آن دوسرداب ها و قه و زیرزمین ها زندگی می کردند بدین نام خوانده شده است ، رد می کند . یادآوری این نکته سودمند است که بسیار کسان نظر کسروی را نمی پسندند و آن را درست نمی دانند .

چهره و شکل شهر تهران از قرن سوم تا دهم هجری : تهران از اواسط قرن سوم که از نام آن اطلاع می یابیم تا قرن دهم یا دودهکده دولا ب و طرشت که امروز هردو از محله های تهران است ، بدون بارو و دیوار ، از ده های نزدیک ری محسوب می شده است . ده تهران تا شهر ری دو قرن استگ فاصله داشته است و آن چنان که از گفته یاقوت برمی آید همه خانه های آن در زیر زمین ساخته شده بوده (قرن ششم و هفتم) و هیچ کس نمی توانسته است وارد آن شود ، مگر این که خود مردم ده راهنمایی اش می کردند . با در نظر گرفتن هوای گرم تهران در تابستان و اهمیت سرداب ها و زیر زمین ها تا این اواخر ، تا حدودی می توان به علت پیدا شدن دهکده زیر زمینی تهران در آن دوره پی برد .

تهران در قرن ششم و مقارن حمله مغول دوازده محله داشته و دارای باغهای میوه و بستان های زیاد بوده است و خاصه انار آن شهرت داشته ، یاقوت درباره این شهر می نویسد : محلات آن مستقل و واحدهای بسته ای بود ، اغلب باهم دشمنی داشتند . همچنین گفته است : مردم آن بادست زراعت می کردند و از کاو سود نمی جستند چون می ترسیدند همدهی ها چهار پایانشان را بربایند . علاوه بر اختلافات داخلی با سلطان هم سر مخالفت

داشتند . مردم تهران از دادن خراج به طلا خودداری می کردند و مالیات را به جنس آن هم به مرغ و خروس می دادند .

از نوشته های بالا دومسئله معلوم می شود یکی آنکه علت باقی ماندن و گسترش تهران بی شك داشتن وظیفه اقتصادی مهمی نسبت به شهر ری بوده است ، که می بایست محصولات کشاورزی از میوه و صیفی و انار گرفته تا طیور به شهر ری بدهد و يك منبع تولید کشاورزی باشد . دیگر اینکه به واسطه نزدیکی به ری از اختلافات داخلی و خارجی که در ظاهر رنگ مذهبی و در باطن جنبه اقتصادی داشته است برخوردار بوده . نویسنده عجائب البلدان می نویسد : « اهالی تهران راهزنی می کردند و به قافله ها حمله می بردند و دائماً بر سلطان عصر یاغی بودند و با عساکر او کارزار داشتند ، ازین گفته این مسئله به خوبی روشن می شود که چرا پس از حمله مغول و خرابی ری ، تهران جانشین آن نشد و این امر تا حدود ۳۰۰ سال عقب افتاد ، چون لازمه رونق شهر ، امنیت ، خاصه آرامش است که در دهکده تهران هنوز تا آن زمان اثری از آن نبوده است .

از شکل خانه های تهران تا اوائل قرن دهم که جنبه شهری پیدا می کند ، یعنی به دور آن دیوار و بارو می کشند متناسقه خبری نداریم ، همین قدر می دانیم که در قرن هشتم ونهم کشاورزی دهکده تهران ترقی بسیار کرده است و خانه های آن از زیر زمین تا اندازه ای به روی زمین انتقال یافته است . مستوفی در نیمه قرن هشتم در ضمن توصیف ولایت ری دهات آن را « سیصد و شصت پاره دبه » می داند و تهران را یکی از قصبه های معتبر آن می شمارد ، و می نویسد جمعیت آن در گذشته بیش از امروز (قرن هشتم) بوده است .

خسرو خسروی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع :

- | | | | |
|--------------------------|----------------|-----------------------------------|------------------------|
| ۱- جغرافیای تاریخی ایران | پارتولد | ۲- تاریخ تهران | جواهر کلام (عبدالغزیز) |
| ۳- فرهنگ جغرافیای ایران | ستاد ارتش | ۴- نام های شهر ها و دیه های ایران | کسروی (احمد) |
| ۵- جغرافیای سیاسی ایران | کیهان (مسعود) | ۶- سرزمین های خلافت شرقی | لستریخ |
| ۷- مالک وزارع | لمپتون | ۸- نزهة القلوب | مستوفی (حمده) |
| ۹- الرسالة الثانیه | مسعرین المهلهل | ۱۰- حدود العالم | |
| ۱۱- معجم البلدان | باقوت حموی | | |